

پیشگیری وضعی و کیفری از سوءرفتار پلیس علیه متهمان

تاریخ دریافت: ۹۹/۳/۲۵

غلامحسین بیابانی^۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۲۹

محمدرضا کونانی^۲

نوع مقاله: پژوهشی

بهنام ذوقی^۳

چکیده

زمینه و هدف: سوءرفتار پلیس یک موضوع پیچیده و چندوجهی است. در اینجا ما انواع مختلفی از سوءرفتار پلیس را بررسی خواهیم کرد و در مورد چگونگی جلوگیری از سوءرفتار در آینده پیشنهادهایی ارائه خواهیم داد. این امر مورد تأیید همگان است که کنترل سوءرفتار پلیس همچون کنترل خود جرم مستقیماً به عملکرد دولت و امنیت و سلامت شهروندان در یک جامعه دموکراتیک بستگی دارد.

روش پژوهش: اطلاعات پژوهش به دو دسته کتابخانه‌ای و میدانی تقسیم می‌شود. در پژوهش حاضر از روش توصیفی-تحلیلی و از تکنیک کتابخانه‌ای استفاده شده و نوع تحقیق کاربردی می‌باشد. **یافته:** سوءرفتار صرفاً باعث تضعیف تاثیرگذاری پلیس نمی‌شود، بلکه همچنین باعث لکه‌دار شدن نظم اجتماعی می‌شود که توسط پلیس نمایندگی می‌شود. به همین ترتیب، تلاش‌ها برای کاهش فساد پلیس شامل کمپین وسیع‌تری برای بازیابی ظرفیت قهریه‌ی دولت و اعاده حیثیت از تصویر کل دولت می‌شود.

نتیجه‌گیری: در این پژوهش به این نتیجه رسیدیم که دو مولفه‌ی پیشگیری وضعی با رویکرد استفاده از مدیران و نظارت رسمی و دوربین مخفی نصب شده برای پلیس و پیشگیری کیفری با اعمال سیاست‌های سخت‌گیرانه و ارعابی و تسریع در روند رسیدگی نسبت اتهام پلیس می‌توان از ارتکاب مجدد پلیس در خصوص سوءرفتار و اعمال خشونت پیشگیری کرد. **واژگان کلیدی:** پیشگیری وضعی، پیشگیری کیفری، متهم، سوءرفتار پلیس.

۱. استادیار گروه کشف جرایم دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. (نویسنده مسئول):

biabanigh@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه پیام نور کرج، کرج، ایران.

۳. پژوهشگر اجتماعی و فرهنگی.

مقدمه

بیش از یک قرن است که از تأسیس سازمان پلیس نوین در ایران می‌گذرد. در این مدت، به موازات پیشرفت علم و فناوری، روز به روز به وسعت امکانات و تجهیزات و گسترش سازمان پلیس افزوده شده است. در سالهای اخیر، گرایش و توجه به اعمال روشهای علمی در مقابله و پیشگیری از جرائم در حال پیگیری و اجرایی شدن است. رویکرد پلیس در فرآیند دادرسی و حل مسائل و ناهنجاری‌های اجتماعی، مبتنی بر منع استفاده از خشونت است. بعضی اوقات مشاهده می‌شود عده‌ای از مأموران ناجا در برخورد با متهمان مرتکب اعمال خشونت و سوء رفتار می‌شوند. خشونت و یا سوء رفتار به معنی تندی، شدت، سختگیری و ضد نرمی و لطافت معنا شده است و در علوم اجتماعی به رفتاری اطلاق می‌شود که هدف آن صدمه زدن به خود و دیگران است (غلامی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰). نیروی انتظامی آشکارترین نماد عدالت‌گستری و نظم اجتماعی در هر جامعه‌ای است، به گونه‌ای که پیش شرط احساس عدالت بین افراد هر جامعه‌ای، خدمات صحیح و جدی پلیس است؛ بنابراین، مبارزه با فساد و ارتکاب جرائم در نیروی انتظامی به عنوان نهادی که نماد برقراری نظم و عدالت اجتماعی است، اجتناب‌ناپذیر می‌نماید (میرعمادی، ۱۳۹۸: ۳۶). در میان جرائم تعریف شده از طرف قانون‌گذار، جرائمی وجود دارد که صرفاً کارمندان دولت به اعتبار وظیفه‌ی شغلی قادر به ارتکاب آنها هستند و چون آن جرائم تنها برای محیط‌های اداری به اعتبار وظایف شغلی و اداری مرتکبین در قانون پیش‌بینی شده است، لذا امکان وقوع آنها از افراد غیر کارمند منتفی است و به عبارتی، جرائم خاص کارکنان دولت نامیده می‌شود (مهاجری، ۱۳۷۹: ۳۴). نیروی انتظامی به عنوان سازمانی که متولی برقراری نظم و امنیت در جامعه است، باید یکی از سالم‌ترین ارگانهای اجرایی در کشور باشد. این نقش مهم، مأموران پلیس را به حفظ معیارهای اخلاقی در اجرای مقررات ملزم می‌سازد. بنابراین، یکی از مهم‌ترین اولویت‌ها در این رویکرد، ایجاد و حفظ تصویر مناسب از پلیس در جامعه در جهت جذب مشارکت مردم است. با وجود انتظار اجتماعی که از نیروی پلیس به عنوان نماینده حکومت می‌رود، مأموران پلیس اغلب به نقض حقوق شهروندی، سوء استفاده از قدرت، فساد، دستکاری فرایند اجرایی و خشونت مظنون می‌شوند. این تخلفات به عنوان «جرائم حرفه‌ای» به وسیله افرادی معمولی

در جریان فعالیت‌های معمول و مشروع، چه به‌عنوان گروه یا چه به‌عنوان فرد، انجام می‌شود (بلونت، ۱۳۹۴: ۱۳۳ به نقل از عزیزتبار ولوکلایی). برخی از کارکنان نیروی انتظامی در ایران نیز درگیر برخی رفتارهای انحرافی هستند که سلامت و امنیت جامعه را خدشه‌دار می‌کند؛ این موضوع باعث شده است که شأن و منزلت و جایگاه پلیس و کارکنان آن نزد افکار عمومی دچار آسیب و لطمه شود (عزیزتبار ولوکلایی، ۱۳۹۷: ۸۶). در خصوص پیشگیری از سوءرفتار پلیس نسبت به متهمان، در این پژوهش سعی بر آن شده پیشگیری کیفری و وضعی را مد نظر قرار دهیم، زیرا که این دو پارادایم از پیشگیری اهدافی را به دنبال دارند که میزان جرائم و خشونت علیه متهمان را کاهش می‌دهد؛ زیرا که پلیس از تدابیر پیشگیری وضعی و همچنین، پیشگیری کیفری حساب می‌برد و این دو نوع از پیشگیری باعث می‌شود که پلیس علیه متهمان مرتکب خشونت و جرم نشود یا از میزان جرائم علیه آنها کاسته شود. بنابراین، این پژوهش از آن جهت اهمیت دارد که دو رویکرد پیشگیری کیفری، یعنی اعمال تدابیر سخت کیفری و پیشگیری وضعی با داشتن برنامه مناسب از میزان جرائم علیه متهمان را کاهش می‌دهد. حال سؤال اصلی این است که تدابیر پیشگیری کیفری و وضعی چگونه صورت گیرد تا از میزان جرائم پلیس علیه متهمان را بکاهد؟ که در این پژوهش، اهداف پیشگیری کیفری و وضعی را در این خصوص، یعنی اتخاذ تدابیر این دو پارامتر علیه پلیس، مورد واکاوی قرار می‌دهیم.

پیشینه و ادبیات پژوهش

مطهری‌زاده (۱۳۸۷)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی روش‌های پیشگیری از ضرب و شتم متهمان در آگاهی فاتب»، مهم‌ترین یافته‌ها برای پیشگیری از ضرب و جرح متهمان را استفاده از کارکنان باتجربه و دارای ضریب هوشی بالا در امر بازجویی و تحقیق، متعادل نمودن انتظارات مراجع قضایی از مأموران پلیس آگاهی با برگزاری جلسات مشترک و نظارت بر عملکرد بازجویان توسط مدیران باتجربه، دانسته است.

گرندی و دیکتر (۲۰۰۴)، به بررسی دیدگاه متفاوتی در پرخاشگری پرداختند و رفتارها و درخواست‌های غیر معقول ارباب‌رجوع (در اثر زیاده‌خواهی یا عدم آگاهی از حقوق) در بروز

پرخاشگری را مؤثر دانستند. در این تحقیق، نمونه‌های متشکل از ۱۰۸ نفر از کارکنان مراکز پاسخگویی تلفن پلیس، بیمارستان و آتش‌نشانی مورد تحلیل قرار گرفت. به طور متوسط، هر کارمند ۱۰ مرتبه در روز مورد پرخاشگری زبانی مراجعان قرار می‌گرفت. تحقیق نشان داد افزایش قرار گرفتن در معرض پرخاشگری ارباب‌رجوع سبب افزایش سرخوردگی شغلی و عاطفی کارکنان می‌شود و آنان را وادار می‌کند تا خواسته یا ناخواسته روش‌های خشن‌تر و بی‌ملاحظه‌تری در قبال مراجعان اتخاذ کنند.

محمد نسل (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان «بررسی علل وقوع و شیوه‌های اثربخش پیشگیری از ضرب و جرح متهمان (مطالعه موردی فرماندهی انتظامی استان آذربایجان غربی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰)»، علت‌های فردی و سازمانی وقوع ضرب و جرح را از سوی کارکنان نسبت به متهمان مورد بررسی علمی قرار داده و شیوه‌های پیشگیری اجتماعی، وضعی و کیفری از ضرب و جرح را نیز استخراج کرده است که جامعه آماری این تحقیق نقش عوامل فردی و سازمانی را در بروز ضرب و جرح کارکنان نسبت به متهمان مؤثر دانسته‌اند.

داوود اسدی (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «عوامل فردی مؤثر بر احتمال بروز خشونت پلیس در فرایند دادرسی و راهکارهای پیشگیری از آن»، به این نتیجه رسید که مهم‌ترین یافته تحقیق بیانگر این است که تفاوت نظر دو گروه کارکنان و فرهیختگان با اطمینان ۴۴ درصد معنادار است و از بین عوامل فردی مؤثر در احتمال بروز خشونت، کم بودن آستان تحمل در رتبه اول، ضعف آگاهی نسبت به احکام حقوقی و قوانین کشور در رتبه دوم و راضی نبودن از حقوق و مزایا در رتبه سوم قرار دارد.

۱- مبانی نظری پژوهش

۱-۱- سوءرفتار پلیس

سوءرفتار کارکنان یک سازمان، به اقدامات و رفتارهای غیرقانونی، غیراخلاقی یا غیرمسئولانه‌ای گفته می‌شود که از سوی کارکنان یک سازمان، چه به شکل فردی و چه جمعی و هماهنگ شده با افراد شاغل سازمان یا افرادی خارج از سازمان، انجام می‌شود و عمدتاً زیان‌هایی را متوجه سازمان و کارکنان دیگر مینماید. این تعریف، عمدتاً راجع به کلاهبرداری و

فساد صدق می‌کند؛ ولی در مواقعی که تغییر اعمال و عملکرد انسان، از خوب به بد باشد، در این صورت، تعریفی که در فرهنگ واژگان جدید دانشگاهی وبستر آمده، صادق خواهد بود. تعریفی که در اینجا ارائه شد، ساده و شفاف است، ولی این بدان معنا نیست که این تعریف نیاز به بحث ندارد، بلکه به عکس، نیاز به بحث فراوان راجع به آن احساس میشود؛ چرا که گاهی اوقات، بسیاری از مفاهیم در ظاهر ساده به نظر میرسند، ولی هنگام به کار بردن و استفاده، به مفاهیمی به مراتب پیچیده تبدیل میشوند. تعاریفی که پیرامون این مفهوم ارائه میشوند، خالی از مسائل و پرسشهای قانونی، امنیتی و پرسنلی نخواهد بود. از طرفی، هر مسئله‌ای که برای این تعاریف پیش می‌آید نیز، به نوبه خود، میتواند نسبت به تعریف قبلی، مشکل‌آفرین باشد. شما نیز اگر تعریفی را قانع‌کننده نمی‌یابید، میتوانید به ارائه نوعی کاملتر و جامع‌تر پردازید. منتها قبل از استفاده فراگیر از این تعریف، لازم است یک کارشناس و فرد آگاه این تعریف را از جنبه‌های قانونی و حقوقی بررسی کند تا صحت و درستی آن به‌طور کامل تأیید شود (بلونت، ۱۳۸۶: ۲۱-۲۰).

۲-۱- پیشگیری وضعی و کیفری

پیشگیری در لغت به معنای عمل پیش‌گیری، جلوگیری، دفع، میانیت، حفظ صحت و منع سرایت مرضی از پیش گرفتن می‌باشد (معین، ۱۳۸۷). مطابق ماده ۱ قانون پیشگیری از وقوع جرم، پیشگیری از وقوع جرم عبارت است از پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن^۱. همان‌طور که ما در جرم‌شناسی نظری یاد گرفتیم که تبیین و تشریح عمل مجرمانه و نحوه تکوین فرآیند عمل جنایی در این نحله بررسی می‌شود و از رهیافت‌های جرم‌شناسی نظری برای جرم‌شناسی کاربردی استفاده می‌شود؛ که رهیافت‌های جرم‌شناسی نظری به کمک جرم‌شناسی کاربردی می‌آیند و در بهبود و عملکرد نحوه برخورد با بزه رخ می‌نمایانند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۸۴۲). یکی از ارکان جرم‌شناسی کاربردی، جرم‌شناسی پیشگیری است؛ که عبارت است از مطالعه

۱- برای مطالعه بیشتر به قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴/۶/۲۱ مصوب مجلس با اصلاحات مجمع تشخیص مصلحت نظام مراجعه نمایید.

علمی کارایی و امکانات پیش‌گیری از بزهکاری که ممکن است در سطح یک کشور، شهر یا محله مورد بررسی قرار گیرد. هدف از این مطالعه، عقیم ماندن جرم در آستانه ارتکاب است (عظیم‌زاده و شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۶: ۱۷۷). تعبیر برخی جرم‌شناسی پیشگیرانه در معنای پیش‌دستی کردن، پیشی گرفتن و به جلوی چیزی رفتن، مورد استفاده واقع می‌شود؛ یعنی با کاربرد فنون مختلف به منظور جلوگیری از وقوع بزهکاری، هدف به جلوی جرم رفتن و پیشی گرفتن از بزهکار است (ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۱۳).

۱-۲-۱- پیشگیری کیفری

پیشگیری کیفری عبارت از مجموعه تدابیر و اقداماتی است که هدف از اعمال آن، کاهش جرم و بزه، ترس و ارعاب در مجرمان برای عدم تکرار جرم‌های بعدی، جلوگیری از مجرم شدن مجرمان بالقوه، تأدیب افراد جامعه علی‌الخصوص مجرمان با هدف افزایش نظم و امنیت عمومی و فردی، کاهش انگیزه‌ها و فرصت‌های مجرمانه در افراد جامعه، دفاع از حقوق قربانیان جرم در چارچوب قانون می‌باشد (بیات و دیگران، ۳۰: ۱۳۸۷).

۱-۲-۲- پیشگیری وضعی

یکی از انواع پیشگیری غیر کیفری، پیشگیری وضعی یا پیشگیری موقعیت‌مدار است. این پیشگیری از رهگذر محدود نمودن فرصت‌های ارتکاب جرم در صدد ایجاد موانع فیزیکی و روان‌شناختی در مقابل پدیده جنایی است. رویکرد پیشگیری انتظامی از جرم در جهت تحقق اهداف پیشگیری وضعی نقش مهمی را ایفا می‌کند، چرا که نیروهای پلیس با توسل به اقدامات پلیسی‌گری و با اختیار داشتن ابزارها و اختیارات لازم در جهت محدود کردن موقعیت‌های جرم‌زای ایفای وظیفه می‌کنند؛ به‌عنوان مثال، با اعمال نظارت بر معابر منجر به افزایش هزینه ارتکاب جرم می‌شود و در نهایت، امر پیشگیری محقق خواهد شد (همراهی و ششگل، ۱۳۹۶: ۴).

۱-۳- نظریه دیوار آبی سکوت

حرکت به سوی رفتار حرفه‌ای، شفافیت سازمان، دسترسی رسانه‌ها و استفاده از تکنولوژی

(به‌عنوان مثال دوربین‌هایی برای ماشین‌های گشتی، دوربین‌های نصب‌شده بر روی بدن افسران و دوربین‌های گوشه‌ی مردم) حرکات افسران پلیس را به سوی یک محیط شبیه به «ظرف ماهی» سوق داده است. اداره پلیس نیویورک، در سال ۱۹۹۷ سیاستی را به کار گرفت که هر کدام از کارکنانی که در یک بررسی داخلی چیزی را پنهان کند یا دروغ بگوید، اخراج خواهد شد. در نتیجه، این «دیوار آبی» در اداره پلیس شهری نیویورک به آرامی تخریب شد و بسیاری از ادارات مجری قانون و پرسنل پلیس دریافتند که شهرت اداره و پرسنل آن به‌طور مرتب مورد نقد قرار می‌گیرد، به پرسش کشیده می‌شود و به دلیل سوءرفتار توسط یکی از همکاران یا تعداد اندکی از آن‌ها مورد تحقیر قرار می‌گیرد. از یک دیدگاه نظری، پدیده «دیوار آبی» می‌تواند با استفاده از کاربرد نظریه خنثی‌سازی ماتزا^۱ و سایکس^۲ توضیح داده شود. مورد مشابهی را می‌توان در مورد عمل فراهم‌سازی «اخلاق حرفه‌ای» در هنگام ایست ترافیکی برای افسران پلیس و مقامات دولتی اظهار کرد. این افسران می‌توانند اعمال خود را از طریق این باور که هیچ کدام از کارهایشان باعث آسیب زیادی به عموم مردم نمی‌شود، توجیه کنند و بدین وسیله تاثیر اعمال خود را خنثی‌سازی کنند. همان‌طور که این اعمال به‌طور طبیعی از طریق ارتباط سازمانی آموخته می‌شوند، نظریه یادگیری اجتماعی توضیح معقولی برای این سوءرفتار فراهم می‌سازد (ر.ک آلبرشت، ۲۰۱۱).

۱-۴- نظریه فنون خنثی‌سازی یا بی‌اثری

مفهوم کنترل‌های اجتماعی خارجی با کارهای دیوید ماتزا برجسته شد. نوشته‌های نخستین او در مورد این موضوع، با همکاری گریشام سایکس (۱۹۵۷)، نوعی انتقاد از نظریه خرده‌فرهنگ آلبرت کوهن بود. با این وجود، در آن انتقاد، این مفهوم نیز وجود داشت که همه، حتی مجرمان ولگرد طبقه‌ی پایین، مقید به نظام ارزشی برتر جامعه هستند. سایکس و ماتزا پیشنهاد کردند که یک فرد، در خلال استفاده از «فنون خنثی‌سازی» برای انجام اعمال مجرمانه «آزاد» می‌شود. این فنون به فرد امکان می‌دهد تا تعهدات فردی نسبت به ارزش‌های

1. Matza

2. Sykes

اجتماعی را خنثی و به طور موقت معلق نماید و از این رو، نوعی آزادی برای ارتکاب اعمال مجرمانه فراهم می‌شود. سایکس و ماتزا پنج نوع خنثی‌سازی را فهرست کردند که عبارت بودند از: انکار مسئولیت، انکار تخطی، انکار بزه‌دیده، محکوم کردن محکوم‌کنندگان و توسل به وفاداری‌های بالاتر. افزون آنکه آنها استدلال کردند که خنثی‌سازی‌ها تنها در دسترس جوانان طبقه‌ی پایین نیست، بلکه برای تمام جامعه قابل دستیابی می‌باشد (ویلیامز و مک شین، ۱۳۹۵: ۲۹۲-۲۹۰).

۲- حقوق شهروندی متهم

در ابتدا، جهت تبیین موضوع، مفهوم و پیشینه تاریخی حقوق شهروندی مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس، به تشریح حقوق شهروندی مرتبط با وظایف ضابطان پرداخته می‌شود. (شهروند) ترجمه فارسی Citizen و ریشه آن، واژه لاتینی سیویتاس (Civitas) است. این کلمه در زبان لاتینی معادل کلمه پلیس (Polis) در زبان یونانی به معنای شهر است؛ اما شهروند در دائرةالمعارف انگلیسی (Wikthony) چنین تعریف شده است: شخصی که به صورت قانونی مقیم یک شهر، دولت یا کشور شناخته می‌شود. شهروند در فرهنگ حقوقی لاتین به عنوان شخصی که در مقابل دولت متعهد بوده و از سویی، از حمایت او برخوردار است، تعریف گردیده است (اکلاپ^۱، ۲۰۰۳: ۱۰۲). همچنین، شهروندی به عنوان یک رابطه‌ی حقوقی بین فرد (Individual) و دولت (State) به معنای اعم آن که حکومت می‌باشد، به مثابه نتیجه‌ای از مجموع مزایا و حقوق مسلم فرد است که تکالیف و تعهدات مشخصی را نسبت به آن (دولت) بر عهده می‌گیرد (استوآرت^۲، ۲۰۰۱: ۶۵). این لفظ در ادبیات حقوقی ما سابقه چندانی ندارد. در ایران تا قبل از مشروطیت، به جای این واژه از کلمه «رعیت» استفاده می‌شد.

از ملاحظه تعریفهای گوناگون در خصوص شهروند، دو معنای کلی استنباط می‌شود. نخست، شهروند به معنای بشر و نوع انسان که مصادیق آن شامل تمامی انسانها است، از هر

1. Eclapp

2. Stewart

جنس و نژاد و رنگ و کشور و دین و مذهب و... و دیگر، شهروند به معنای انسانهای ساکن و مقیم در یک کشور، اعم از اتباع و بیگانگان که در سرزمین یک دولت-کشور و تحت قدرت آن دولت-کشور هستند (قاضی، ۱۳۸۲: ۵۹)

تی.اچ. مارشال، جامعه‌شناس مشهور انگلیسی، که نظریات او در باب حقوق شهروندی در بسیاری از کتب و مقالات اندیشمندان استفاده می‌شود، شهروندی را پایگاهی می‌داند که اعضای تمام‌عیار اجتماعی دارای آن هستند. به تعبیر مارشال، شهروندان دارای حقوق، وظایف و تکالیف برابر هستند. مارشال شهروندی را دارای اصل بهره‌مندی از مجموعه حقوق سه‌گانه (مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) می‌داند که به واسطه نهادها و ساختارهای شایسته توسعه می‌یابند (مارشال^۱، ۱۹۵۰).

«هامیلتون» شهروندی را مجموعه‌ای از حقوق یا وظایف معرف عضویت سیاسی-اجتماعی می‌داند که موجب اختصاص منابع جمعی به گروه‌های مختلف اجتماعی است (مرانلو، ۱۳۸۵). جک باربالت، جامعه‌شناس استرالیایی، اعتقاد دارد «ایده شهروندی به اندازه تاریخ یکجانشینی جامعه انسانی، دارای قدمت است». به زعم وی، حقوقی که در جامعه برای شهروند تعریف می‌شوند، جزء حقوق بنیادین انسان هستند (آربالت، بی^۲، ۱۹۸۸: ۶). گفتنی است اگرچه واژه شهروند و تبعه بیانگر مفهوم واحد، یعنی عضو یک کشور بودن هستند، ولی معمولاً تابعیت جنبه‌ی خارجی و بین‌المللی و شهروندی جنبه داخلی و ملی آن عضویت را در نظر دارد. به عبارتی، شهروندی خاص اشخاص حقیقی است و برای اشخاص حقوقی چنین مفهوم و حقی متصور نمی‌باشد. حقوق شهروندی حداقل حقوقی است که برای انسانها وجود دارد. از این رو، رعایت حقوق و آزادیهای فردی و کرامت‌مداری در ادبیات حقوقی ایران تحت حقوق شهروندی مطرح شده است.

۲-۱- سورتار پلیس و حقوق متهمان به عنوان نوعی از حقوق بشری

استفاده مشروع از قوه قهریه چیزی است که مجریان قانون را از دیگر بخش‌های دولت متمایز می‌سازد. افسران پلیس دارای مصونیت برای استفاده معقول از قوه قهریه هستند،

1. marshall
2. Barbalet

بدون توجه به آسیبی که منجر می‌شود و تازمانی که در حال عمل به وظیفه خود هستند؛ اما اخیراً پرسش‌های مربوط به «نیت درست» به وجود آمده‌اند (ماول، ۲۰۱۷: ۲).
بر اساس گزارش نیروهای پلیس از فعالیت پلیسی در قرن بیست و یکم تاکنون، دهه‌ها پژوهش و فعالیت از این فرضیه حمایت می‌کنند که مردم بیش از هر زمانی از قانون پیروی می‌کنند که باور داشته باشند مجریان قانون دارای صلاحیت مشروع هستند تا به آن‌ها بگویند که چه کنند؛ اما عموم مردم تنها زمانی مشروعیت قائل می‌شوند که باور داشته باشند که کسانی که فعالیت قضایی انجام می‌دهند، عدالت داشته باشند (روبرسون، ۲۰۱۷: ۱). این عدالت قضایی دارای چهار عنصر است:

● برخورد با احترام و مطابق شأن مردم

● به مردم اجازه صحبت دادن در طول برخوردها

● در تصمیم‌گیری‌ها بی‌طرف و شفاف باشند

● انتقال قابلیت اعتماد

این گزارش ذکر کرد که پژوهش‌ها نشان می‌دهند که این اصول منجر به روابطی می‌شوند که در آن‌ها جوامع اطمینان می‌کنند که افسران صادق، بدون تبعیض، شریف و تابع قانون هستند. بنابراین، جامعه خود را ملزم می‌کند که از قوانین و دستورات مقامات قانونی پیروی کند و جامعه تمایل بیشتری خواهد داشت تا با مقامات همکاری کند، زیرا باور دارد که ارزش‌ها و منافع مشترکی با پلیس دارد (بریک، ۲۰۱۴: ۴).

فساد پلیس نوعی از سوءرفتار پلیس دانسته می‌شود که در آن افسران مجری قانون به دنبال منافع شخصی هستند، علیه افراد تبعیض قائل می‌شوند، بیش از حد مجاز از قوه قهریه استفاده می‌کنند، به حقوق افراد احترام نمی‌گذارند یا تخلفات جنایی دیگری مرتکب می‌شوند (روبرسون، ۲۰۱۷: ۳).

۲-۲- عوامل مرتبط با سوءاستفاده (بدرفتاری) پلیس

کدام عوامل می‌تواند با قربانی شدن توسط پلیس در ارتباط باشد؟ پژوهش‌های انجام‌گرفته نشان می‌دهد که سوءاستفاده (بدرفتاری) پلیس با گروهی از افراد جامعه بیشتر از گروه‌های

دیگر است، برای مثال مردان جوان ساکن در شهر در کشورهای مختلف مانند، برزیل، شیلی، نیکاراگوئه و روسیه به صورتهای متفاوت مورد سوءاستفاده پلیس قرار می‌گیرند. در این کشورها همچنین رفتار شدید پلیس با افراد مخالف حکومت نیز زیاد است (میگول، ۲۰۰۹: ۳). پایگاه اطلاعاتی بارومتر در سال ۲۰۰۸ مطرح کرد سن، جنسیت و اندازه یک شهر از عواملی دموگرافیکی است که می‌تواند با بدرفتاری پلیس در ارتباط باشد. علاوه بر این، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که فساد اخلاقی، دستکاری جرائم و مشارکت در اقدامات سیاسی از رفتارهای غیرقانونی انجام‌شده پلیس است. نتایج در مورد مشارکت مردمی و سیاسی نشان می‌دهد افراد چه زمانی جزء گروه تحقیقاتی بودند، هر چه قدر در مشارکت‌های شهروندی بیشتر فعال بودند و از نظر سیاسی بیشتر مشغول بودند، به احتمال بیشتری مورد بدرفتاری پلیس قرار می‌گرفتند و این خود می‌تواند از نگرش سیاسی پلیس نشأت گرفته شود (میگول، ۲۰۰۹: ۳). نتایج نشان می‌دهد که ایدئولوژی سیاسی یک پلیس می‌تواند بر بدرفتاری او تاثیر بگذارد. اگر سوءاستفاده‌های دولتها و پلیسها در حکومت‌های سلطه‌طلب جهان از رسانهها مورد توجه مردم قرار گیرد، باعث میشود که شرایط حقوقی و حقوق بشر باعث تضمین یک دموکراسی در کشور شود. این سوءاستفاده‌های دولت یک رویداد محدود نیست؛ بلکه امروزه حتی در جوامع دموکراتیک که حکومت بر اساس قانون اداره می‌شود، در بعضی از موارد افراد فقیر و افراد متفاوت با تمام افراد جامعه (تفاوت بین افراد از نظر مذهبی، جنسیتی، نژادی، و...) مورد بی‌عدالتی قرار می‌گیرند و در حداقل‌ترین حقوق و نادیده گرفته شدن تنها گذاشته می‌شوند. این نگرانیها در سراسر جهان باعث کاهش دموکراسی می‌شود، از جمله این عوامل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: محروم کردن شهروندان، و راههایی که باعث می‌شود پلیس‌های یک شهر از مردم یک شهر سوءاستفاده کنند (بونر و همکاران، ۲۰۱۸: ۵۶).

اصولاً، پرخاشگری به شهروندان به صورتهای مختلفی خود را نشان میدهد. در این پژوهش، ما علاقه‌مندیم که خشونت و پرخاشگری و مرگ‌ومیر را در مورد افرادی که در بازداشت قرار دارند، مورد بررسی قرار دهیم. پلیس برای کنترل قدرت و پرخاشگری از یک سری تکنولوژی که توسط دولت تصویب شده است، استفاده می‌کند؛ در این خصوص، میشل فوکو می‌گوید: «وجود قدرت در بدن یک انسان باعث تأثیر بر کل آن می‌شود و بر فعالیتها، نگرشها،

فرایندهای یادگیری و تمام روزهای زندگی فرد تأثیر می‌گذارد.» پلیس می‌تواند با استفاده از زور به صورت متعادل و تعاملات دوطرفه (به ویژگی مثبت در تعاملات اشاره دارد) به یکی از قاطع‌ترین ارگانهای دولت که تنشها را کاهش می‌دهد، تبدیل شود. پلیس می‌تواند با استفاده از طبقه‌بندی و گروه‌بندی افراد و بررسی مرگ افراد با استفاده از علم بیوپسی (علم نمونه‌گیری از بافت برای بررسی) که توسط فوکو پایه‌گذاری شده است، خود را به صورت مطلوبی نشان بدهد (بونر و همکاران، ۲۰۱۸: ۵۷).

۳- سیاست‌گذاری برای بهبود صداقت فردی و سازمانی

اقدامات خاصی می‌توانند برای بهبود کیفیت کارکنان پلیس به کار گرفته شوند، چه در طول دوره آموزشی پلیس در دانشگاه و مجتمع آموزشی و چه در سراسر طول کار حرفه‌ای منابع پلیس. همان‌طور که با جزئیات بیشتر توصیف خواهیم کرد، یک رویه ارزیابی شغلی محکم‌تر پیش از اشتغال همراه با استانداردهای استخدامی بهتر (به‌عنوان مثال نیاز به تجربه یا آموزش دانشگاهی) دارای پتانسیل برای بهبود کیفیت ماهوی کارکنان پلیس است. علاوه بر این، به‌کارگیری استانداردهای حرفه‌ای بهتر و معیار رهبری برای تمامی منابع سازمان و به‌کارگیری مکانیسم‌های ثابت‌شده که می‌توانند به‌طور موثرتری از انحرافات پلیس جلوگیری کنند، آن‌ها را تشخیص دهد و پیدا کند، باید در تلاشی برای بهبود انسجام سازمانی و بهبود اطمینان عموم مردم به پلیس، نهادینه شود.

یکی از گزینه‌های بالقوه برای بهبود حرفه‌ای‌گری در بین سازمان‌های مجری قانون شامل بهبود در عملکرد فرآیندهای نظارتی پیش از استخدام می‌شود. نظارت پیش از استخدام برای مجریان قانون و دیگر مقامات حکومتی شامل تعدادی فعالیت مشترک در تلاش برای استخدام کاندیداهای با بهترین کیفیت می‌شود. به‌طور روتین، فرآیند پیش از استخدام شامل تمامی یا اکثر موارد پیش رو می‌شود:

(۱) تست کردن توانایی شناختی

(۲) بررسی پیش‌زمینه

(۳) تست کردن توانایی فیزیکی

۴) نظارت پزشکی

۵) تست کردن مواد مخدر

۶) تست شخصیت و نظارت روان‌شناسی

۷) مصاحبه شخصی

اغلب این فرآیند طراحی می‌شود تا افراد نامطلوب در دولت استخدام نشوند. از سوی دیگر، ویژگی‌های مطلوب زیادی هستند که افسران پلیس باید داشته باشند، شامل صداقت، تعهد و وفاداری و همراه با حرکتی که اخیراً به سوی توانایی بهتر در تفکر انتقادی و حل مسئله انجام شده است. علاوه بر این، ارزیابی‌ها، چالش‌ها و آزمون‌ها در طول دوره دانشکده پلیس و آموزش میدانی به عنوان گام‌هایی مهم عمل می‌کنند برای حذف کارکنانی که به طور بالقوه مشکل‌زا هستند (ساندرز، ۲۰۰۸).

۳-۱- نظارت پیش از اشتغال برای پیشگیری از انحراف پلیس

این امر ضروری است که پرسنلی که به دنبال استخدام در ادارات پلیس و دیگر سازمان‌های مسئول امنیت و دیگر مسئولیت‌های حساس هستند، باید به طور مناسب و مؤثری پیش از استخدام مورد نظارت قرار گیرند. علاوه بر مسائل فیزیکی و پزشکی، نیازی وجود دارد برای ارزیابی دقیق خصوصیات، پیش‌زمینه و تجربیات قبلی کاندیداهای مشاغل پلیسی. تست شخصیت، بررسی پیش‌زمینه و نظارت روانشناسی تا حدود زیادی به هم پیوسته هستند، زیرا به وظیفه‌ی حساس انتخاب یک افسر مجری قانون دارای ظرفیت‌های متناسب مربوط هستند. تعدادی از تلاش‌های مربوط به پژوهش‌ها شامل ارزیابی فساد و انحرافات پلیس در تلاشی برای شناسایی ویژگی‌های شخصیتی یا شاخص‌های مشترک بین افسران پلیسی هستند که رفتار نامناسبی دارند و در مقابل، ویژگی‌ها و خصلت‌هایی را تعیین می‌کنند که نشان خواهند داد که افراد تازه استخدام‌شده عملکرد شاخصی خواهند داشت.

۳-۲- توصیه‌های پس از استخدام برای بهبود صداقت پلیس و حرفه‌ای‌گری

با توجه به رفتارهای مختلفی که می‌توانند به عنوان انحراف پلیس طبقه‌بندی شوند،

مدیران مجری قانون باید اقداماتی انجام دهند برای بهبود حرفه‌ای‌گری در اداره، تقویت صداقت و بهبود مدیریت نظارتی. اول اینکه مأموران اجرایی قانون باید با ترسیم استانداردهای اخلاقی و فعالیت‌های حرفه‌ای در رویه‌ها، دستورالعملها سیاست‌گذاری، قوانین و مقررات و دستورالعمل‌های عملیاتی اداره و با به‌کارگیری آن‌ها در تمامی برنامه‌درسی از جمله در تمامی آموزش‌های ضمن خدمت، ارزشمند بودن و مرتبط بودن آن‌ها را به‌روشنی تبیین کنند (آلبرشت، ۲۰۱۷: ۴۲).

نظارت پیش از استخدام باید شامل آزمون کامل تاریخچه رفتاری و روانشناسی متقاضیان کار در اداره پلیس باشد. همانطور که اشاره شد، مطالعات نشان داده‌اند که سابقه‌ی وقایع انضباطی در مدرسه یا در مشاغل قبلی، بازداشت برای اعمال مجرمانه (حتی بازداشتی که منجر به محکومیت نشده است) و تخلفات مکرر رانندگی نشانه‌هایی از رفتار منحرف و سوء رفتار در آینده هستند. مکانیسم‌های نظارت روانشناسی و شخصیتی می‌توانند با بررسی شاخص‌ها و معیارهایی که مشخص شده است که با اخراج یا سوء رفتار در آینده همبستگی دارند، به طور کارآمدی متقاضیان را برگزینند. ادارات باید این ملاحظه را در نظر بگیرند که از پتانسیل تست‌های نظارت بر شخصیت استفاده کنند تا افرادی که به طور بالقوه مسئله‌ساز هستند را حذف کنند و کاندیداهایی که احتمالاً برای مشاغل پلیسی مفید خواهند بود را جذب کنند. زمانی که نشانه‌هایی در حین فرآیند نظارت روانشناسی آشکار شده‌اند که نیازمند آنالیز بیشتر هستند، توصیه می‌شود که مصاحبه‌های بیشتری به طور مستقل با حداقل دو روانشناس انجام شود و اینکه توافقی عمومی به وجود آید مبنی بر این که این فرد برای استخدام یا ابقا توصیه می‌شود. علاوه بر این، باید در طول فرآیندهای نظارت بر سابقه فرد، به عملیاتی مثبت همانند مشارکت در برنامه‌های اجتماعی و فعالیت‌های داوطلبانه توجه بیشتری شود.

حوادث انضباطی و ارزیابی‌های عملکردی در طول دوره دانشگاهی پلیس و دوره آموزش میدانی/کار آزمایشی باید به طور دقیقی مورد بررسی قرار گیرد و تلاش‌هایی انجام شود تا اعمال منفی کارکنانی که مرتباً مشکل‌آفرین هستند، مستندسازی شوند، با این هدف بالقوه که خاطیان همیشگی در اولین فرصت اخراج شوند و منتظر حادثه جدی‌تر یا مجرمانه‌ای

نمانند. علاوه بر این، اگر آن‌ها این کار را هم‌اکنون انجام نمی‌دهند، ادارات پلیس باید به طور جدی ضروری بودن ۲-۴ سال آموزش دانشگاهی پیش از استخدام را مورد توجه قرار دهند. به کرات نشان داده شده است که این امر با عملکرد بهتر و رفتار مسئله‌ساز کمتر همبستگی دارد. ناظران مجری قانون باید آموزش رهبری فراگیر دریافت کنند که از تصمیم‌سازی قدرتمند و مستندسازی روتین سوء رفتار و دیگر فعالیت‌های نامناسب توسط پرسنل پلیس حمایت کند. علاوه بر این، مدیران اداره باید از فرآیندهای ارزیابی عملکردی سالانه و ماهانه برای فراهم‌سازی آموزش، تربیت و گفتمان اصلاحی برای پرسنل تحت مدیریت خود استفاده کنند. تمامی حوادث منفی باید بی‌درنگ مورد رسیدگی قرار گیرند و آموزش سازنده باید فراهم شود، ولی اگر مؤثر نباشد، اداره باید تلاش کند تا شروع کند به اخراج متخلفان مکرر در اولین مراحل شغل افسری. اگر هم‌اکنون مکانیسمی در کار نیست، باید یک مکانیسم مداخله اولیه برای نظارت فعال بر کارکنان به‌ظاهر مسئله‌ساز به کار گرفته شود و فرصت‌هایی برای مشاوره و تقویت شخصیت فراهم شود. از سوی دیگر، اداره باید یک سیستم ارتقای شغلی و پاداش‌دهی شفاف برای پرسنلی داشته باشد که عملکردی نمونه داشته‌اند و برای کسانی که به طور فعال سوء رفتارهای جدی و انحراف همکارانشان را گزارش می‌کنند. علاوه بر این، هر عملی که بتواند منجر شود به تخلفات مجرمانه بالقوه باید برای راهنمایی و تحقیقات رسمی به دفتر پیگیری ارجاع داده شود. این امر باعث حذف اتهام‌های مربوط به برخوردهای سلیقه‌ای، پوشاندن مسئله یا تضاد منافع خواهد شد.

۳-۳- اصلاح پلیس و تبعیض‌های مدرن

تبعیض‌های مدرن امروزی بیشتر به شکل تبعیض‌های تلویحی هستند. تبعیض‌های تلویحی مشابه با تبعیض‌های آشکار هستند، بدین معنی که ما افراد را به کلیشه‌ها و یا امور کلی مربوط به گروه یا گروه‌های آنان منتسب می‌کنیم. این تبعیض‌ها می‌توانند بر رفتار تاثیر بگذارند که رفتار تبعیض‌آمیز تولید می‌کنند؛ اما برخلاف این تبعیض‌های آشکار، تبعیض‌های تلویحی بر اساس خصومت نیستند و این «روابط تلویحی» می‌توانند بر ادراک و رفتار بیرون از آگاهی ما تأثیر بگذارند. حتی افرادی که در سطحی آگاهانه تبعیض و کلیشه را رد می‌کنند، ممکن



است تبعیض‌های تلویحی داشته باشند (فریدل، ۲۰۱۷: ۲). با دانستن تنها در مورد چیزی که امروزه تبعیضهای آشکار دانسته می‌شود، آن‌ها فرض کرده‌اند که از آن جایی که تبعیض در فعالیت پلیسی وجود دارد، این تبعیض توسط افراد دارای خصومت نسبت به گروه‌ها تولید می‌شود؛ آن‌ها باور دارند که پیش‌داوری این افراد پلیس آگاهانه و تعمدی است. این امر بدین معنی است که بسیاری در جامعه تصور می‌کنند که افسران با تبعیض‌های آشکار این تبعیض در فعالیت پلیسی را به وجود می‌آورند. این «پارادایم کهنه» باید با یک پارادایم جدید جایگزین شود؛ پارادایمی که ما به رسمیت می‌شناسیم که تبعیض در پلیس همانند تمامی جامعه می‌تواند توسط تبعیض آشکار یا تبعیض تلویحی ایجاد شود. پذیرش گسترده این پارادایم کهنه به سه دلیل مانع است: اول از همه اینکه این تعیین مشخصات تبعیض در فعالیت پلیسی امواجهایی تولید کرده است که بر روابط بین مجریان قانون و برخی از جوامع متکثر که به آن‌ها خدمت می‌کنند، آسیب وارد آورده است. زیرگروه‌هایی از اعضای جامعه وجود دارند که باور دارند که تبعیض در پلیس گسترده است و اقلیت‌های قومی و نژادی یک مثال اولیه هستند. اگر افراد در این گروه‌ها فکر کنند که فعالیت پلیسی دارای تبعیض فراگیر است و اگر این را هم باور کنند که این تبعیض تنها توسط افراد با تبعیض‌های آشکار انجام شده است، آن‌ها ممکن است نتیجه‌گیری کنند که افراد زیادی در پلیس هستند که نسبت به گروه‌های آنان خصومت دارند و آگاهانه و تعمدی بر اساس این خصومت عمل می‌کنند. این امر یک تصویر بسیار منفی از کارکنان پلیس ایجاد می‌کند و این پتانسیل را دارد که تأثیری منفی بر ادراک جامعه از مشروعیت سازمان باقی بگذارد. برای اینکه سازمان‌ها به طور کارآمدی به مردم خدمت کنند، باید مشروع دانسته شوند (فریدل، ۲۰۱۷: ۳).

۴- تأثیر عوامل سازمانی و محیطی بر سوءرفتارهای پلیس

این مطالعه رابطه بین عوامل محیطی و سازمانی را بر سوءاستفاده پلیس با استفاده از داده‌ها، گزارشات بدست آمده از سوءاستفاده پلیس، بین سالهای (۲۰۰۹-۲۰۱۰) بررسی می‌کند. استفاده ما از این داده‌ها این قدرت را به ما می‌دهد که خطاهای پلیس را به صورت گسترده‌تری از مطالعات قبلی مورد بررسی قرار بدهیم. تحلیل رگرسیون دو متغیری منفی

از تحلیلی مدارک بدست آمده از ۴۹۷ شهر موارد زیر را به عنوان موارد مهم مطرح می‌کنند: پیروی از ویژگی‌های سازمانی، اندازه سازمان، پرسنل تمام‌وقت و خدمات آموزش ضمن خدمت می‌تواند در پیش‌بینی رفتار متخلفانه پلیس‌ان مفید است. میزان جرائم خشونت‌بار تنها متغیری محیطی است که بر سوءاستفاده پلیس تأثیر می‌گذارد. نتایج این پژوهش بر سوءاستفاده افسران پلیس تأثیر زیادی دارد. این نتیجه‌ها نه تنها بر ساختار سازمانی پلیس تأثیر می‌گذارد، بلکه باعث توانایی تغییر رفتارهای سوءاستفاده‌گر افراد پلیس در ادارات می‌شود (ایتل و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۰۴).

مشکل سوءاستفاده و تخلف پلیس برای دانشمندان مورد توجه و قابل اهمیت است. در زمینه پیشگیری و شناسایی عوامل محیطی و سازمانی که باعث رفتارهای غیرقانونی پلیس می‌شود، پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است (چاپل و پیکور^۱، ۲۰۰۴. کان^۲، ۲۰۰۲. کان و وایت^۳، ۲۰۰۹. کاپیلر و اسلودر و آلپرت^۴، ۱۹۹۸. کلینگر^۵، ۱۹۹۷). نتایج بدست آمده تأکید بر نقص‌های فردی (میر^۶، ۱۹۷۷. شرمین^۷، ۱۹۷۴) در عامل‌های خطر کردن و محافظ کردن دارد. در حالی که پژوهش‌های قبلی خیلی مؤثر و آموزنده بوده است، اما دلایل زیادی وجود دارد که چرا ما باید نقش سازمان‌دهی پلیس و جامعه را مورد بررسی قرار بدهیم. اولاً، پژوهش‌های قبلی در مورد سوء رفتار پلیس بیشتر در دپارتمان‌های پلیس، جامعه‌های کوچک و گروه‌های نمونه غیرتصادفی انجام می‌شده است. پژوهش‌های کمی در مورد سوء رفتار پلیس در جوامع و شهرهای بزرگ صورت گرفته است که بعضی از پژوهش‌های صورت گرفته نیز باعث شک به نتایج پژوهش‌های قبلی می‌شود؛ به‌عنوان مثال، دانا^۸ و کاسر (۲۰۱۰) کارهای زیر را انجام داده‌اند (ایتل و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۰۴).

1. Chappell & Piquero
2. Kane
3. White
4. Kappeler, Sluder, & Alpert
5. Klinger
6. Muir
7. Sherman
8. Dunn

- محدودیت داده‌های بدست آمده و میزان سوءاستفاده پلیس در جامعه؛
- تعیین میزان سوءرفتار پلیس در سطوح محلی؛
- مقایسه میزان سوءرفتار در جوامع مختلف؛
- تخمین میزان سوءاستفاده پلیس.

۵- اهداف پیشگیری کیفری در خصوص سوءرفتار پلیس

پیشگیری کیفری، ناظر بر اقدام کیفری قبل و پس از وقوع جرم است که از طریق نهادهای مختلف نظام عدالت کیفری، به دنبال کاهش نرخ جرم است. رهیافت پیشگیری کیفری، ارباب انگیزی فردی، جمعی و عبرت آموزی است تا از بزهکاری نخستین و نیز بزهکاری مجدد افراد جلوگیری کند (عباچی، ۱۳۸۶: ۱۷-۱۵) و (ساک، ۱۳۷۶: ۱۳). یکی دیگر از نظریه پردازان مکتب کلاسیک، جرمی بنتام بود. او برای کیفر حبس ابد اهمیت خاصی قائل بود و اعتقاد داشت که زندان‌ها را باید با حداقل نگهبان و حداکثر وسایل استحفاظی اداره کرد. بنتام حقوق بشر را مورد انتقاد قرار داد و به حقوق طبیعی افراد نیز اعتقاد نداشت «(دانش، ۱۳۸۶: ۲۱-۱۹). از نظر وی، برای اینکه مجرمان از قانون اطاعت کنند، تنها تنبیه سریع و شدید اعمال مجرمانه بسیار مؤثر است. بنتام از بنیان‌گذاران فایده اخلاقی بود، اصل فایده‌گرایی اخلاقی مبتنی بر جستجوی بیشترین میزان شادکامی توسط افراد. بزهکار به صورتی دقیق و حساب شده لذت و نیز درد ناشی از ارتکاب جرم را مورد بررسی قرار می‌دهد و بعد از آن دست به عمل می‌زند (برنهایم، ۱۳۹۴: ۵۳) در مجموع، آشکار است که مکتب کلاسیک مدافع کیفر حبس است؛ چون هدف از مجازات را سزادهی و ارباب و دور کردن مجرم از بستر جامعه می‌داند (که حبس، این اهداف را تأمین می‌کند) و در اندیشه‌ی بازپروری و اصلاح و تربیت مجرم (که کیفر حبس فاقد اثر اصلاحی است) نیست. تعذیب و نمایش آن در نظام جزایی سنتی جزئی از مجازات و فلسفه مجازات بود و نمایش تنبیه با هدف ارباب جامعه و بازدارندگی ارتکاب جرم صورت می‌گرفت. هدف و کارکرد قصد شده از نمایش این بود که دیگران با مشاهده سرنوشت غمبار مجرم و زجر می‌شود، عبرت گیرند و از ارتکاب عمل ممنوعه دوری جویند؛ اما نمایش تنبیه اعدام در ملاء عام کارکردهای

پنهانی که توسط عاملان آن در نظام جزایی قصد و پیش‌بینی نشده بود را در پی داشت. آثار و پیامدهای این عمل در طول دهه‌های متوالی موضوع بحث و نقد و سخنوری‌های آتشین بود و ده‌ها کتاب پژوهشی در ابعاد حقوقی، جرم‌شناختی و جامعه‌شناختی آن توسط محققان به رشته تحریر درآمد. در سال ۱۷۶۴ میلادی، یعنی حدود ۲۵۰ سال پیش، بکار یا در نقد اعدام در ملاء عام گفت: «قتل که همچون جرمی دهشتناک به ما معرفی می‌شود، بار دیگر با خونسردی و بدون ندامت و پشیمانی تکرار می‌شود.» در نتیجه انتقادات وسیعی که مطرح گردید، تمایل به انتقال مجازات‌های خشن به بخش پنهان فرایند کیفری به وجود آمد. به گفته میشل فوکو، «اثرگذاری تنبیه محصول حتمیت آن تلقی شد، نه شدت قابل دیدن بودن آن. آنچه باید از ارتکاب جرم جلوگیری کند، نه نمایش نفرت‌انگیز مجازات در ملاء عام، بلکه قطعی بودن تنبیه و مجازات است» (بکار یا، ۱۳۹۵: ۸۰).

اکثریت مردم در جوامع مختلف، بر خوردار از آن حد رشد حقوقی و اجتماعی نیستند که معیار و ارزش‌های درونی، راهنمای رفتار آنها باشند؛ لذا تا زمانی که در توده مردم یک جامعه حس احترام به قانون، ذاتی و طبیعی نشده باشد، مقررات قانونی را صرفاً به خاطر ترس از ضمانت اجرای آن می‌پذیرند و این ضمانت اجرا در حقوق کیفری مجازات است. مهمترین عاملی که عموم مردم را به رعایت قانون ملتزم می‌کند، ترس از ضمانت اجرای آن است. در کمتر جامعه‌ای می‌توان ارزش هنجارهای قانونی را آن قدر ذاتی و درونی یافت که تبعیت از آن نیاز به ضمانت اجرای خارجی و بیرونی نداشته باشد. تحلیل این وضعیت، موضوع پیچیده اجتماعی- فرهنگی است که نمی‌توان در این موضع بدان پرداخت. پیش‌فرض ارباب مبتنی بر این ادعا است که بشر، موجودی است که فشارهای بیرونی می‌توانند او را تحت کنترل قرار دهد؛ از آنجا که انسانها موجوداتی حسابگر هستند، از اعمالی که نتایج محتمل آن را دوست ندارند، اجتناب می‌کنند؛ بنابراین، تهدید به مجازات ابزار مناسبی برای پیشگیری از تحقق جرم خواهد بود. در تعریف مضیق، بازدارندگی از جرم تنها در صورتی به پیشگیری از جرم اشاره دارد که از طریق تهدید افراد نسبت به عواقب ارتکاب جرم (بازداشت، محاکمه، محکومیت، مجازات) که قانون‌شکنان بالقوه مایل به قبول ریسک آن نیستند، حاصل می‌شود. منظور از اثر اربابی مجازات مفهوم عامی است که نه تنها شامل اثر دردناک حاصل از تحمیل

مجازات می‌شود، بلکه تهدید به مجازات و رسوایی حاصل از آن نیز در زمره آثار بازدارنده مجازات است (الهام و برهانی، ۱۳۹۷: ۲۰-۱۹)؛ بنابراین، پیشگیری کیفری که هدف آن بازدارندگی و اعمال تدابیر و سیاست‌های سختگیرانه و اعمال مجازات است، از این جهت نسبت به سوء رفتار پلیس مناسب است که پلیس از عوامل مهم احساس امنیت است و انتظار می‌رود که پلیس نسبت به متهمان مرتکب خشونت و سوء رفتار نگردد. بنابراین، در خصوص پیشگیری کیفری با اتخاذ یک سری سیاست‌ها می‌توان از ارتکاب مجدد سوء رفتار و جرم علیه متهمان پیشگیری کرد، از جمله اینکه: ۱- افزایش نظم حقوقی در سازمان توسعه مشاوره و معاضدت قضایی به کارکنان و متهمین برای جلوگیری از تضییع حقوق قانونی ایشان اعمال تمام مجازات‌های تعیین شده در قانون برای کارکنان تکرارکننده ۲- ارتقای اثربخشی اقدامات پیشگیرانه کیفری از جمله ایجاد ترس و وحشت در بین افراد مستعد بزهکاری و تسریع در رسیدگی و صدور احکام کارکنان، آسیب‌شناسی مستمر رعایت حقوق شهروندی و رفع نمودن نقاط ضعف و خلاءها. ۳- ارتقای اثربخشی قوانین و مقررات سازمانی مربوط به حقوق شهروندی از جمله آسیب‌شناسی مستمر رعایت حقوق شهروندی و رفع نمودن نقاط ضعف و خلاءها.

۶- اهداف پیشگیری وضعی در خصوص سوء رفتار پلیس

این نوع پیشگیری با توجه به شرایط بزهکار، نوع جرم، اهداف و موضوعات جرم و خصوصیات بزه‌دیده، اقداماتی را به اجرا می‌گذارد که فرایند آنها موجب از بین رفتن و یا تضعیف موقعیتها و فرصتهای ارتکاب جرم خواهد شد. کاهش فرصتها و موقعیتهای ارتکاب جرم با توسعه امنیت فیزیکی یا طراحی ساختمان و محله‌ها که در نهایت، موجب خطرناک و پرهزینه‌تر شدن اعمال مجرمانه میشود، همراه است (نجفی‌توانا، ۱۳۹۲: ۵۵). پیشگیری وضعی شامل: از بین بردن کامل برخی از خطرات، کاهش بعضی از خطرات با کاستن از دامنه خسارت وارده، تقلیل برخی از خطرات به وسیله انجام اقدامات امنیتی مانند: نصب دوربین‌های مدار بسته یا افزایش تعداد افراد پلیس برای ترساندن و بازداشتن از ارتکاب جرم، انتقال برخی از خطرات به کمک وسایلی مثل: تسهیل بیمه و نظایر آن و پذیرفتن برخی از خطرات که اجتناب‌ناپذیر

بوده و یا رفع آنها هزینه‌های غیرقابل‌تحملی را تحمیل می‌کند، می‌باشد. این نوع پیشگیری با توجه به شرایط بزه‌کار، نوع جرم، اهداف و موضوعهای جرم و خصوصیات بزه‌دیده، اقداماتی را به اجرا می‌گذارد که فرآیند آنها موجب از بین رفتن و یا تضعیف موقعیت‌ها و فرصت‌های ارتکاب جرم خواهد شد. در این روش از پیشگیری، مدیریت پیشگیری از جرم با تغییر و اصلاح روش زندگی افراد و محیط سکونت آنها، به دنبال خنثی‌سازی عملیات مجرمانه است که در واقع، این قبیل اقدامات مکمل کار پلیسی به شمار می‌آید. بنابراین، پیشبینی، شناخت و ارزیابی خطر جرم و انجام اقداماتی برای رفع یا تقلیل آن را پیشگیری وضعی می‌گویند؛ که گاهی از آن تحت عنوان «مدیریت کردن خطر جرم» نیز نام می‌برند (بیات، شرافتی و عبدی، ۱۳۸۷: ۴۳-۴۲).

پیشگیری وضعی، ویژگی‌های خاص خود را دارد از جمله:

الف: در پیشگیری وضعی تمرکز بر جرائم خاص است؛ یعنی هر جرمی اقدام‌های پیشگیری وضعی خاص خود را دارد. مثلاً اقدام‌هایی که در مورد سرقت وسایل اتومبیل صورت می‌گیرد، با اقدام‌هایی که از کیف‌قاپی جلوگیری می‌کند، متفاوت است.

ب: پیشگیری وضعی، در مورد جرائم غیرعمدی مصداق ندارد، زیرا در یک لحظه به وقوع می‌پیوندد؛ اما در مورد تصادفات رانندگی، نصب سرعت‌گیر یا دوربین در بزرگراه‌ها از تدابیر پیشگیری وضعی غیرمستقیم است.

ج: پیشگیری وضعی بر محیط، انتخاب معقول، سبک زندگی و فعالیت روزمره متمرکز است. در حقیقت، بزه‌دیده‌مدار است و مجرم به صورت غیرمستقیم مطرح است، مثلاً روشنایی کوچه‌ها و خیابانهای تاریک، فرصت ارتکاب جرم را کاهش می‌دهد.

د: در جرائمی که به شغل افراد مربوط می‌شود، مانند گران‌فروشی یا جرائم مربوط به قضات، وکلای دادگستری، پزشکان، آموزگاران، رانندگان و امثال آن، می‌توان با محروم نمودن این مجرمین از شغل خود، زمینه ارتکاب جرائم آتی آنها را از بین برد.

و: محدودیت بهره‌مندی از پاره‌ای حقوق مانند باطل کردن مجوز شکار، باطل کردن گواهینامه (میرخلیلی، ۱۳۸۵: ۹).

۶-۱- مؤلفه‌های پیشگیری وضعی در خصوص سوءرفتار پلیس

این اثرات مقطعی است و برخلاف پیشگیری اجتماعی که هدف آن تأثیر ماندگار و درازمدت بر بزهکار یا بزه دیده بود و تلاش بر این بود که ظرفیت بزهکار یا بزه دیده شدن حتی الامکان از افراد سلب شود. در پیشگیری وضعی، تأثیرات کوتاه‌مدت آن هم نسبت به آماج خاص جرم، مورد نظر است. بدیهی است که گسترش تدابیر پیشگیری وضعی در سطح کل جامعه ممکن است به اصلاح روش پایدار در بزهکاران منتهی بشود، ولی این امر عمومیت ندارد (محمد نسل، ۱۳۸۷: ۶۳). در مجموع باید گفت که پیشگیری وضعی بر تجزیه و تحلیل راهبردی از منطقه‌ای معین مبتنی است تا با شناسایی و تعیین فرصت‌های ارتکاب جرم و اشخاص و وضعیت‌های در معرض خطر، شرایط جرم‌زا را از طریق حمایت بهبودیافته از آماج جرم (اشخاص یا اموال) تغییر دهد (کلارک و فلسون^۱، ۱۹۹۸: ۵-۳). پیشگیری وضعی پایدار مستلزم تهیه فهرست مسئولیت و توانایی ساکنان محلی به منظور مراقبت از امنیت عمومی در جامعه است (چالوم و آل^۲، ۲۰۰۱: ۸-۷).

۶-۱-۱- استفاده از مدیران کارآمد در خصوص پیشگیری وضعی

آموزش کارکنان مؤسسه‌های عمومی و خصوصی و استفاده از آنان در برقراری یا تقویت محافظت از محیط و اموال نیز از روش‌های مؤثر پیشگیری وضعی است. احساس هوشیاری و کنترل اوضاع توسط کارکنان، موجب انصراف و ناامیدی بسیاری از بزهکاران علاقه‌مند به ارتکاب جرم می‌شود و در صورت ارتکاب جرم نیز با واکنش حساب‌شده، موجب افزایش ضریب دستگیری مرتکبان می‌شود. بهره‌برداری از کارکنان فروشگاهها و بنگاه‌های اقتصادی، دربان‌های هتل و مدیران و سرایداران ساختمانها و نگهبانان پارکها از مصداق‌های این روش است، که مشابه همین تدابیر را می‌توان در اماکن ناچا تحت عنوان آموزش کارکنان برای پیشگیری از جرم و افزایش نظارت و کنترل سلسله‌مراتبی اجرایی کرد (محمد نسل و صوفی، ۱۳۸۷: ۳۳).

1. Felson & Clarke

2. Chalom and Al

۶-۱-۲- تقویت نظارت رسمی

مراقبت رسمی معروفترین شیوه پیشگیری وضعی از جرم میباشد که با بهره‌گیری از افسران و مأمورین پلیس سعی در پیشگیری از جرم دارد؛ در ذیل، نقش مراقبت رسمی پلیس در پیشگیری از جرائم حوزه سرقت مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت:

ایجاد پاسگاههای ایست بازرسی ثابت و سیار و راه‌اندازی گشتیهای پیاده و سواره یکی از اقدامات پلیس در جهت پیشگیری از جرم از طریق حضور در صحنه و سرکوبی است تا از این طریق معادله انتخاب عقلانی مجرمین را با سنگینتر کردن کفه ترازوی خطر دستگیری بر هم زده و مجرمین بالقوه را از ارتکاب جرم باز دارد. نظریه انتخاب عقلانی مجرم معتقد است که بزهدار بالقوه انسانی است که بر حسب فایده‌های که از نتیجه فعالیت مجرمانه انتظار دارد، انتخاب کرده و تصمیم میگیرد؛ شخصی که مرتکب جرم میشود به جای سرمایه‌گذاری در فعالیت قانونی به علت فایده‌های که از عمل مجرمانه خود انتظار دارد، اقدام به ارتکاب جرم مینماید. حال در صورتی که پلیس به عنوان اولین نهاد رسمی مسئول در خصوص پی‌جویی و کشف سرقت و شناسایی سارقین و معرفی آنها به مقامات مسئول قضایی جهت اجرای مجازات بتواند از عهده این کار به خوبی برآید و نتیجه اقداماتش را به سماع و نظر مردم و بزهداران بالقوه در جامعه برساند، در انتخاب عقلانی آنان تأثیر بسزایی خواهد داشت و کفه ترازوی منافع حاصله از ارتکاب جرم سبکتر از خطرات و مضرات آن خواهد شد. مصادیق نظارت رسمی، مثل گشت پلیس، استفاده از نیروهای امنیتی محافظ، زنگ دزدگیر و دوربین‌های مادون قرمز است (کونانی، ۱۳۹۸: ۸۱). به نظر دنیس روزنهام، مراقبت رسمی بهترین روش پیشگیری وضعی از جرم است. مراقبت رسمی به مراقبت کاملاً آشکار و محسوسی اطلاق می‌شود که هوشیاری و مراقبت و کنترل اوضاع را به بزهداران بالقوه یادآوری می‌کند و آنها را متقاعد می‌سازد که در صورت ارتکاب جرم، شناسایی و دستگیر خواهند شد. افزایش احتمال واکنش فوری پلیس و نیروهای محافظ موجب انصراف بزهداران بالقوه از ارتکاب جرم می‌شود. از جمله شیوه‌های این روش می‌توان به نصب دوربینهای مداربسته در نقاط معین و همچنین، نصب دوربینهای سنجش سرعت و ثبت تخلفات در جاده‌ها اشاره کرد. این روش می‌تواند به شکل نصب و فعال کردن دوربینهای مداربسته در اماکن انتظامی، بازدید مترقبه

و غیرمترقبه از اماکن و کارکنان و یا نصب صندوق شکایات و پیشنهادهای در فضاهای مناسب، نمودار شود (محمد نسل و صوفی، همان).

۶-۲- نصب دوربین مخفی بر روی خود پلیس

در سال‌های اخیر استفاده از دوربین‌های مخفی توسط پلیس توجه رسانه‌های زیادی به خود جلب کرده است. استفاده از این دوربین‌ها باعث دستیابی به هدف‌های شده است، از جمله: کاهش استفاده پلیس از زور و کاهش شکایت شهروندان از پلیس، افزایش مشروعیت (قانونی) پلیس، افزایش میزان دادرسی و بهبود شهادت پلیس. تبلیغاتی به این منظور صورت گرفته است. بسیاری معتقدند که دوربین‌ها می‌تواند باعث بهتر شدن و رفع نواقص پلیس شوند. استفاده از دوربین در سال ۲۰۱۳ به منظور جلوگیری از تبعیض نژادی توسط یک دادگاه فدرال برای پلیس‌های نیویورک به ثبت رسید. کالج پلیس انگلستان و ولز استفاده از دوربین را یک مکانیسم برای افزایش اعتماد عمومی به پلیس معرفی کردند. با این حال، تحقیقی به منظور مفید بودن این دوربین‌ها صورت نگرفت، به غیر از داده‌هایی که از شرایط کنترل نشده و بدون گروه گواه و بدون سیستم جمع‌آوری داده (علائم) که برآورد غیر علمی از داده‌های بدست آمده انجام می‌دهد. در این تحقیق، ما اولین آزمون تصادفی کنترل شده را با استفاده از دوربین‌های مخفی پلیس در محله ریلتو به مدت ۱۲ ماه انجام دادیم. تمرکز ما بر روی زورگویی و شکایت شهروندان از پلیس بوده است. فرضیه ما در پژوهش، بررسی تأثیری است که دوربین‌های مخفی به صورت غیرمستقیم بر رفتار پلیس می‌گذارد (بریک، ۲۰۱۴: ۲). دوربین مزیت‌های مختلفی دارد، از جمله اینکه آیا مأمور در مواجهه با حادثه جانب بی‌طرفی و انصاف را گرفته یا خیر؟ اما به طور کلی، نقطه عطف دوربین‌های جدید قالب فکری مهارت‌های پلیسی افسران را دگرگون خواهد کرد و موجبات تصمیم‌گیری هوشمندانه را برای افسران در میدان عمل، تعامل با شخصیت‌های مختلف جامعه، جهت حل مشکلات محلی که باعث افزایش جرم و بی‌نظمی می‌گردند و نیز کاهش تنش در وضعیت‌های خطرناک و در نتیجه، کاهش استفاده از زور و اسلحه را فراهم خواهد نمود؛ زیرا پویایی و اقتدار افسران خود را با مجهز نمودن آنها را برای مدیریت خیابان‌های شهر فراهم نماییم. لذا، چنانچه

افسری در صحنه نیاز به مشاوره داشته باشد، از طریق همین ویدیو فرمانده دستورات لازم را به افسر اعلام می‌نماید. یا به عبارتی، همزمان فرمانده با افسر گشت صحنه را مورد بررسی قرار می‌دهد، افسر مشاور یا فرمانده از طریق ویدیوی ارسالی فعالیت وی را مورد کنکاش و بازبینی قرار می‌دهد. این عمل باعث می‌شود اگر فردی در دادگاه علیه افسر شکایتی داشته باشد، آن را مورد تبرئه قرار دهد؛ زیرا ما با تجهیز دوربین به دنبال دو هدف هستیم: یکی اینکه انجام درست وظیفه به عنوان پلیس پاسخگو و دیگری، کاهش شکایات مردمی علیه افسران پلیس می‌باشد.

نتیجه‌گیری

متأسفانه، کج‌رفتاری پلیس فرم‌های زیادی به خود گرفته است. تحلیل‌های جرم‌شناسانه نشان داده است که هیچ مدل نظری یافت نشده است که برای تمامی فرم‌های سوءرفتار مجریان قانون به کار رود؛ اما زمانی که هر یک از پنج دسته‌بندی خاص (۱) فساد پلیس (۲) ارتکاب جرم پلیس (۳) استفاده بیش از حد مجاز از قوه قهریه (۴) سوءاستفاده از قدرت (۵) سوءرفتار پلیس. از انحراف پلیس به طور مستقل و دقیق‌تر بررسی شده است، روندهای جامعه‌شناسانه روشنی بدست آمده است. مجریان پلیس می‌توانند گام‌های مشخصی بردارند تا تضمین کنند که تنها کاندیدهایی با بالاترین کیفیت استخدام می‌شوند و با مردم تعامل داشته باشند. نظارت موثر پیش از استخدام و ارزیابی عملکردی حین خدمت و ارزیابی دقیق در هنگام ورود، کلید نیروی کار حرفه‌ای و برجسته است. با در نظر گرفتن اینکه کج‌رفتاری در تمامی جنبه‌های زندگی و در تمامی حوزه‌های شغلی وجود دارد، حذف سوءرفتار نابهنجار از حرفه اجرای قانون به فراهم ساختن چالشی الزام‌آور برای مسئولین تضمین امنیت جامعه ادامه خواهد داد. مدیران مجری قانون باید دریابند که حتی با کاهش چشمگیر جرائم، اگر شهروندان به پلیس اعتماد و اطمینان نداشته باشند و اگر مشروعیت و اعتبار سازمان زیر سؤال باشد، شهرت پلیس زیر سؤال می‌رود. اما از سوی دیگر، وقوع جرم و رفتارهای سوء، همیشه در محیط هر سازمانی رخ می‌دهد. بنابراین، مدیریت باید تقاضاها را به‌موقع انجام داده و روشهای مقابله با رفتارهای سوء و آن دسته از کارمندانی که در قبال انجام آن مسئولند را

طرح‌ریزی کرده و برای آن نقشه بکشد. متهمان در واقع، بایستی در خصوص فرآیند کیفری احساس امنیت نمایند، یعنی در این مورد بایستی مداخله‌گران قضایی که پلیس و ضابطین دادگستری یکی از این عوامل هستند، در این خصوص رفتار خود را کنترل کنند و نسبت به متهم سوءرفتار نداشته و مرتکب خشونت نشوند؛ زیرا که پلیس از عوامل مهم احساس امنیت هستند که متهم بایستی در این خصوص نیز احساس امنیت کند. ممکن است برخی از نیروهای پلیس مرتکب سوءرفتار نسب به متهم شوند که برای این رفتارها بایستی تدابیر پیشگیرانه را به عمل آورد. از جمله در این پژوهش ما دو نوع پیشگیری، یعنی پیشگیری کیفری و وضعی را در خصوص سوءرفتار پلیس نسبت به متهم مفید و کاربردی تر می‌دانیم.

تشکر و قدردانی

از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارد.

منابع:

- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۶). جرم‌شناسی پیشگیری، جلد اول، تهران: انتشارات میزان، چاپ چهارم.
- الهام، غلامحسین؛ برهانی، محسن (۱۳۹۶). درآمدی بر حقوق جزای عمومی، ج ۱، (چاپ چهارم) تهران، نشر میزان.
- برنهایم، ژان کلود (۱۳۹۴). تاریخ جرم‌شناسی، تهران: مجد.
- بکاریا، سزار (۱۳۹۵). رساله جرائم و مجازات‌ها، (ترجمه محمدعلی اردبیلی)، تهران: نشر میزان.
- بلونت، ارنست. سی (۱۳۹۴). جرائم شغلی: کشف، بررسی و گزارش‌های اطاعت و پیروی از قانون با دستورالعمل‌های فدرالی، ترجمه یاشار سیف‌اللهی، تهران: نشر کارآگاه.
- بیات، بهرام؛ شرافتی، جعفر؛ عبدی، نرگس (۱۳۸۷). پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع‌محور، معاونت اجتماعی ناجا.
- بیابانی، غلامحسین (۱۳۹۶). نقش دوربین‌های همراه پلیس در مهارت‌های ارتباطی، هفده آبان خبرگزاری ایرنا.
- دانش، تاج‌زمان (۱۳۸۴). مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟، تهران: کیهان.
- ساکی، بهروز (۱۳۷۶). بررسی تطبیقی سیاست جنایی سازمان ملل متحد در قبال بزهکاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- عباچی، مریم (۱۳۸۶). طرح تدوین برنامه ملی پیشگیری از جرم، کمیسیون پیشگیری از جرم، مرکز مطالعات راهبردی معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه.
- عزیزتبار و لولوکلایی، عسگر (۱۳۹۷). عوامل و راهکارهای پیشگیری از بزه‌دیدگی اصحاب دعوی ناشی از بدرفتاری پلیس، فصلنامه نظارت و بازرسی، شماره ۴۴، تابستان.
- عظیم‌زاده، شادی و شیخ‌الاسلامی، گلاویژ (۱۳۹۶). جرم‌شناسی، تهران: انتشارات دوراندیشان.
- غلامی، حسین؛ موذن‌زادگان، حسنعلی؛ دعاگویان، داوود؛ اسدی، داوود (۱۳۹۶). عوامل برون‌سازمانی مؤثر بر احتمال بروز خشونت پلیس در فرآیند دادرسی و راهکارهای پیشگیری

- از آن، مجله پژوهش حقوق کیفری، سال ششم، شماره بیستم، پاییز.
- علیزاده ثانی، محسن و خانی، علی اصغر (۱۳۸۶). تأثیر فساد اداری بر توسعه انسانی - جوامع، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال دوم، بهار و تابستان، شماره ۱ و ۲.
- فرانک پی، ویلیامز؛ ماری لین دین، مک شین (۱۳۹۵). نظریه های جرم شناختی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: انتشارات میزان، چاپ ششم.
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۸۲). بایسته های حقوقی اساسی، تهران: انتشارات میزان.
- کونانی، محمدرضا (۱۳۹۸). پیشگیری وضعی از ارتکاب جرم سرقت از منزل در شهرستان خرم آباد در راستای ارتقا احساس امنیت، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- مرانلو، زهرا (۱۳۸۵). حقوق شهروندی یا شهروندسازی، روزنامه شرق.
- محمد نسل، غلامرضا؛ صوفی، علیرضا (۱۳۸۷). پیشگیری وضعی از جرم در اماکن ناجا، فصلنامه نظارت و بازرسی، شماره ۶، زمستان.
- معین، محمد (۱۳۸۵). فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیر کبیر، جلد اول، چاپ هشتم.
- مهاجری، علی (۱۳۷۹). جرائم خاص کارکنان دولت، تهران: انتشارات کیهان.
- میر خلیلی، سید محمود (۱۳۸۵). پیشگیری وضعی از جرائم با نگاهی به سیاست جنایی، پایان نامه دکتری، دانشگاه تهران.
- میر عمادی، سپهر (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی رویکردها و راهکارهای پیشگیری از جرائم کارکنان پلیس، فصلنامه نظارت و بازرسی، شماره ۴۷، بهار.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۱). مباحثی در علوم جنایی (به کوشش شهرام ابراهیمی)، تقریرات درس جرم شناسی، ویراست هفتم.
- نجفی توانا، علی (۱۳۹۴). جرم شناسی، تهران: انتشارات سنجش و دانش.
- همراهی، راضیه؛ ششگل، حمید (۱۳۹۶). طراحی محیطی و پیشگیری انتظامی از جرم، همایش ملی پیشگیری از جرم در قلمرو مطالعات حقوق کیفری، علوم اجتماعی و انتظامی، کرج، معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری کل استان البرز.



منابع لاتین:

- Albrecht, J. F. (2011b). **Analyzing the implementation and evolution of community policing in the United States and Scandinavia**, In M. Guzman, A. M. Das, & D. K. Das (Eds.), Strategic.
- Albrecht, James F. (2017). **Police Brutality, Misconduct, and Corruption**, Springer.
- Barak Ariel, William A. Farrar, Alex Sutherland (2014). **The Effect of Police Body-Worn Cameras on Use of Force and Citizens' Complaints against the Police: A Randomized Controlled Trial**, Quant Criminol. 1- 27.
- Bonner Michelle D., Guillermina Seri .Mary Rose Kubal, Michael Kempa (2018). **Police Abuse in Contemporary Democracies**, Library of Congress Control Number.
- Chalom, Maurice and Al. (2001). **Urban Safety and Good Governance: The Role of the Police; United Nations Center for Human Settlements and International Center for the Prevention of Crime**, Obtained from: www.crime-prevention-intl.org.
- Eitle David, Stewart J. DAlessio and Lisa Stolzenberg (2014). **The Effect of Organizational and Environmental Factors on Police Misconduct**, Police Quarterly. Vol. 17(2) 103–126.
- Felson, Marcus and Ronald V. Clarke (1998). **Opportunity Makes the Thief; Police** .Research Series, Paper 98. Policing and Reducing Crime Unit: Home Office; London U.K. Obtained.
- Fridell Lorie A. (2017). **Producing Bias-Free Policing**, a Science-Based Approach Springer Briefs in Criminology.
- James. Eclapp (2003). **Dictionary of the Law**, Rondon House Webster, s, New York, 102d, P.
- Light Matthew (2012). **Police reforms in the Republic of Georgia: the convergence of domestic and foreign policy in an anti-corruption drive Policing & Society**.

- Maule A. Brian (2017). **Police Misconduct in Brooklyn Documenting, Understanding and Preventing Springer Briefs in Criminology.**
- Miguel Cruz. j. (2009). **Police Abuse in Latin America**, AmericasBarometer Insights. (No.11). 1-8.
- Roberson Cliff (2017). **Police Misconduct a Global Perspective**, Taylor & Francis Group.
- Sanders, B. A. (2008). **Using personality traits to predict police officer performance**, Policing: An International Journal of Police Strategies and Management, 31(1), 129–147.
- Siegel, L. J. (2011). **Criminology: The core (4th Ed.)**, Belmont, CA: Wadsworth Publishers.
- T.H marshall (1950). **Citizenship and social class.**
- W.J. Stewart (2001). **Law Dictionary**, HarperCollins Publishers /2.ed/P.65.